

نیک لند

نامعماری سایبر اسپیس به صورت جنگ جنگلی

ترجمه آکاسما

dastopaa.net

به جنگ ادامه بده. هیچ معنایی ندارد.

کی کدها برای سایبرنتیک.

کی میکروفرهنگ‌های طرف‌تاریک از انهدام آینده به صورت یک فضای شبیه‌سازی مستقیماً تماس‌پذیر استفاده می‌کنند، سایبرصف‌طی زمستان اتمی مجازی به وضعیت آنلاین می‌لغزد، همه چیز سر جایش یخ می‌زند، مگر در راستای گسل‌های کناره‌ی ناموزون نوو-آ-جنگل اقیانوس آرام، نیم‌جوش‌شده در جنگ دائمی.

فرامتن‌های آنالوگ پیوستار اشتدادی را در راستای صفحه‌ی صاف صف‌درجه قسمت‌قسمت می‌کند: تکنواخت‌های استوایی کانال یک که از روی بازاجراهای محوشده‌ی وضعیتی موشکی مترکم شده‌اند. سایبرصف‌طی به صورت یک مدول مسأله‌سازی سنتزی یا محصول مازاد عمل می‌کند، که یک توان حاشیه‌ای کامل را برای فضا می‌افزاید که چیزی جز آنچه انجام می‌دهد نیست. قابلیت عملگری همه چیز است. آنچه به صورت استعاره و داستان درک می‌شود همان استتار، تکنیک و پیروسی، و تفاوت ژنومیک در مقیاس است.

سوئیچ نابودی اتمی که تمدن را از هم گسسته از لابه‌لای رویاهای گیگامرگ مسیح در اعداد متریک پست‌تحلیلی می‌گذرد: نشانه‌شناسی تعریف‌شده با دیجیت‌ها را از معناشناسی سازی عددی منفک می‌کند، دیجیت‌پذیری را از محاسبه‌پذیری و نامیدن را از شمارش می‌گسلد. امپراتوری اصرار دارد که ریاضیات یک زبان باقی می‌ماند. شیاربندی پارامتریک فضا را ذیل قانون تمامیت می‌بخشد.

ماشین‌آلات جنگ جنگلی، بی‌قرار در زنونب‌ها، نحوه‌ی شمردن را فراموش می‌کند. بربریت‌های مبهم را با اعداد پالس‌دهنده‌ی پست‌سنتزی به نمودار می‌آورد، طول‌موج‌های ماده‌ی انتزاعی را سرهم‌بندی می‌کند، و کانال‌های به‌طور تجربی جمع‌پذیر را می‌گشاید. هر تغییری در سیگنال دیجیتالی مرحله‌ای نواختی را کاتالوگ می‌کند، خصایص پلاستیکی را به فوج‌های فرکانس‌های پیوندی غربال می‌کند. نشانه‌های دیجیتالی مازاد بر وضعیت دودویی شدت‌های حاره‌ای را کاتالوگ می‌کنند، از دامنه‌ی همگن جدا می‌شوند و به پیچیدگی می‌افزایند.

ماتریس‌های فضایی‌سازی به‌طور امتدادی فرامتن‌های اند یا به‌طور اشتدادی پیوستارهای حاد فرامتن‌های اند، به‌طور مثبت زیرین پهنه‌های آنالوگ یا کاتالوگ نامعقول‌اند، کل‌هایی مجازی هستند که به‌طور مکانیکی جمع‌پذیرند و نه اینکه به‌طور بازنمایانه بدل‌پذیر باشند، عملگرانه‌اند و نه توصیف‌گرانه، بدون استعاره. اکیدا نمی‌توان به رسانه یا داده تقلیل‌شان داد، زیرا پیوستار لوپ‌شده را شامل می‌شوند که به‌طور خودکار به صورت یک درون‌پیچیدگی گاه‌وبی‌گاه عملی شده است.

گزارش‌نویسی علمی-روزنامه‌نگارانه از اکنون نمی‌تواند حادبزه‌های مادی-انتزاعی را اسکن کند، ظهور سایبراسپیس واقعی را کنار می‌گذارد وقتی سایبراسپیس از آینده‌ای نزدیک از بطن نت‌افزار «نرم‌افزار نهایی» به سمت مان می‌آید، با تنظیم سیستم عصبی مرکزی از راه زیست‌فیدبک با صفحه‌ی انسجام عصب‌الکترونیکی به این سیستم یورش می‌برد. انحلال سوپژکتیویته به جریان داده‌های فرهنگی-فنی و

تکنیر ایجنت‌های جزئی حافظه فقط خواندنی توپومتریک را به یک ماتریس هم‌مختصات حسی-حرکتی پلاستیکی سیال می‌کند؛ از خلال معماری‌های یادبودی امکانی متافیزیکی و منطقی با پتانسیل‌های اشتدادی سایبرنتیک می‌پزد.

کاوش سایبراسپیس با بدنی بی‌تصویر تماس می‌گیرد. لمس آینه‌ی سیاه، چینه‌زدایی مطلق در سایبرصفر، فضای متریک را هک و سیستم عامل را بازنویسی می‌کند. فرهنگ‌های جنگلی سیال و ساییده به پیوستگی ماشینی آغشته می‌شوند.

عرض جغرافیایی پالس‌دهنده طول جغرافیایی متریک را از میان درمی‌نوردد؛ مقیاس اشتدادی را با هم‌مرتب‌سازی امتدادی، برهه‌ی زمانی همزمان را با نقطه‌ی زمانی ترتیبی، تغیرات پیرامونی مبتنی بر توزیع استوایی را با هویت وقت‌شناسانه‌ی فصل‌مشترک قطبی، قسمت‌های به‌طورافقی موازی‌شده‌ی متفاوت در اندازه و تخصیص حرارتی-نواختی درونماندگار را با قسمت‌های به‌طورعمودی به‌گردش‌درآمده‌ی هم‌ارزی هندسی متعالی و دلالت اقلیمی دلخواهی در تقابل قرار می‌دهد. خطوط روبنده‌ی تجارت جنگلی حاره‌ای آماس برمی‌دارد وقتی از گره‌های محوری یخ-سرمایه‌ی قطبی جدا می‌شوند. سایبرصفر هر ضخامت را از سرما تهی می‌کند وقتی توده‌های یخی فرومی‌پاشند و یخ‌زدگی امنیتی را ذوب می‌کنند. هیچ منطقه‌ی متعادل در کی‌اسپیس، یا در قوانین جنگل وجود ندارد.

برهم‌کنش فنی تجاری بین ناوبری اقیانوسی در سطح سیاره‌ای و محاسبه‌ی پولی ریاضیاتی قادر به صفر به‌طورمکانیکی مدرنیته یا سرمایه‌داری ورژن خورشید۳ را درمقام فردیتی واقعی تکین می‌سازد: یک سیستم اتمی‌نهایی زمین‌تاریخی، مبتنی بر اقتصادهایی که به‌طورباززایشی متمرکزند و با تکنولوژی منتشر می‌شوند، و به سمت خودهماندسازی ایمن‌شده-امنیتی‌شده درمقام فرمان‌کنترلی میکروتکنیک جهانشمول حادرسانه‌ای شده گرایش دارند. این سیستم رمزگشایی فرهنگی صاف به شیزوفرنیایی‌سازی تخت را در مسابقه‌ای تسلیحاتی علیه بازرمزگذاری اجتماعی اپیزودیک به کنترل الگوریتمی و رباتیسم سلسله‌مراتبی قرار می‌دهد، فروگذاخت سازماندهی را، همراه با احیایش به‌صورت یک نظم جهانی به‌طورمجازی تمامیت‌یافته، به جنگل جفت می‌کند.

بازسازماندهی سرمایه سر استبدادی وحدت‌یافته و چهره‌ای‌شده را اوراق می‌کند، ولی فقط برای آنکه از خلال قاعده‌مندسازی رله‌ی امنیتی وحدت دوباره‌ای به آن بدهد و به‌منزله‌ی سازمان‌دهنده‌ی ادیپی دموکراتیک‌شده‌ی همانندسازی رسانه‌ای مولی از نو چهره‌دارش کند. این حادحاکمیت که به‌طورهندسی متراکم‌کننده است اصولاً خودش را در مقابل کل زمین مسکون‌شده قرار می‌دهد، آشوب مولکولی را که از عرض جغرافیایی‌اش چندنواختی شده درمقام مشخصات منطقی و مشترکا تسخیرشده‌ی بدنی تاریک همگن می‌سازد، بدنی که به‌طور عارضی منفک شده و به‌نحوی فرمانبردار به سرش اضافه شده است. سرمایه‌سازی زمین را به یک هسته‌ی انباشت‌کننده‌ی قویا مدیریت‌شده تقسیم می‌کند که با دسته‌های شبه‌مرکزگرای رقابت داغ حاشیه‌ای احاطه شده است، تجارت را به سرخط ابرراکد مونوپولی‌سازی نوآور اقتصاد سفید می‌دوزد. قدرت اقتصادی خودش را روی جریان‌های تولید آکسیوماتیزه که با رمزگذاری

مصرف کانالیزه شده اند بنا می کند، کودن سازی بورژوازی، تولید پرولتاریای صنعتی نظامی، مونوپولی سازی پول دولتی، حق مالکیت، و قیدوبندهای معاملاتی را برقرار می سازد تا مانع آغشتن پول به وجه نقد پالس دهنده شود. تکنیکی های مولکولی در خصایص مولی قفل می شوند وقتی فضای صاف سوئیچ کننده ی جریان ها با روندهای بیناوساطت گر شبه خنثی حادث شبکه بندی می شود، به نحوی که در راستای بیشترین چرخش تمرکزگرایانه با ارتباطات از راه دور مجازی شده و با سرمایه رمزگذاری شده اند. جریان های قطبی سازی و جداسازی عمیقاً سرمایه گذاری می شوند، شدت ها یا پیوستارهای سنتزی را به کمیت های امتدادی و مجموعه های کیفی، کارکردهای پیوسته و هستنده های گسسته، همگنیت حسابی و هویت رده بندی کننده تجزیه می کنند. تسخیر متریکی جریان های میکروالکترونیک در مقام غلظت های ملتهب سوئیچ مهاجرت مقیاس ژنومیک را به توهم در ایده آل سازی صعودی دچار می کند. انقلاب اطلاعات هیچ ربطی به ایده ها ندارد.

مادون ارزش مبادله ی حرارتی هسته ای جنگی صلح جویانه کمین می کند؛ اسپاسم اتمی بیناقره ای را با کی اسپیس کاتانواخت که با تش های مصنوعی از فراسوی اصل نیروانا در نور دیده شده جابجا می کند. نابودی حتمی متقابل خودش را بر یک مگامولکول بی خاصیت متقابلاً خودزایا که اکیدا از امر والای زیاده مدرن پیشی می گیرد ناپایدار می سازد، آخرت شناسی تمرکزگرایانه را اوراق می کند، و انهدام تاریخی اجتماعی بر پیوستار زمان صفر متورم شده را از هر وقت شناسی تهی می کند، جریان های شناور کی ماتریس راجع به شهرهایی که با گدازش هیدروژنی مشتعل و ملتهب شده اند پیچ می کنند، در حالی که تسلیحات رپلیکیتوری هوشمند، تاکتیک های انحرافی دسیسه آمیز، و تحریک منتشر را افزایش می دهند.

پیوستگی اشتدادی با فجایع عملیاتی سازگار است، روالهایی را که پیشتر در ابررقابتی سازی ماکروفرماسیون های علمی اقتصادی موثر بودند به عبور از سرمایه ی بهینه قادر می سازد، طوری که خودشان را به مرحله ای سامان زداینده کش می دهند. تکنیک از راه دور رپلیکیت کننده کالایی سازی انفجاری و افت آپاراتوس تولیدی، فروپاشی زیرسرمایه ی هزینه های حاشیه ای به میکروتجارت، آلودگی اقتصادی رمزگشاینده ی سرمایه گذاری به مصرف، تنزل بهای شتاب دهنده ی سرمایه ی ثابت تخصصی شده، هم مرتبه سازی منهدم شده، مدول سازی، انتقال بهره های فزاینده از اقتصاد تولیدکننده به شدت یابی مصرف کننده، مجموعه های شورشی، شتافتن شیروفرنیایی یا کله زداینده به سرمایه ی خرد شده را به راه می اندازد. دینامیک های مقیاس میکرو حاره ای تعذیه می شوند تا تجارت چریکی را زیرسرمایه ای یا نانو اقتصادی سازند و صفحه ای استوایی لامسه ای را با قاتلان موازی آکنده از جمعیت کنند: نو کوچگرها، جهش یافتگان پساتمی، تراوش کنندگان زیرقطبی، کی مهاجم ها، جنگل گراها. تفکیک اتمی سخت افزار/نرم افزار به شدت های کی مثبت ظرافت نرم اثرگذاری سخت مبهم می شود وقتی سوداگری با عاملیت های بومی و وحشی سایبر اسپیس در مقام یک تبادل توربندی شده با دوو مصرف را در مسیر رواج جریانی پیوسته رمزگشایی می کند.

کاتانواخت ها پیچیده می کنند، به نحوی نامنظم و نه تقابلی تاریک می کنند، به صورتی نامتقارن علیه **یخ سرمایه ی قطبی** که دارد سفیدتر می شود افزایش می یابند. خوردگی اتوماتیسم تکنومیک

ماکرو حاره‌ای سرمایه‌گذاری مگافدرت مدرنیستی را به خودآئینی برنامه‌ریزانه، میان‌مایگی اقتدارطلب بورژوازی، و مدیریت طبقه‌متوسطی سوئیچ می‌کند، با زدودن هر چیز بیگانه قانون را به اختیار خودش درمی‌آورد. شبه‌تعالی انسان‌ریخت‌تکنولوژیک خودش را در تولید مسیح آخرت‌ربوتیک‌شناختی آسیموفی، در چهره‌ای‌سازی آخرالزمانی با کالبدی‌تکنولوژیک، به پایان می‌رساند. «برمی‌گردم.» روز داوری تی ۲، تنویر. با اجراها که از هر تحریکی به ضدسیاه‌دیجیت‌های برشته‌شده تهی می‌شوند، رنگ‌پریده با نور سفید محض و مکاشفه‌آمیز آمرزش فروپاشی پارازیتی ضمن نابودی تغییر نواختی در فهم حاد رسانه‌ای، سرپنجه‌ی اورانیوم تهی‌شده‌ی نوفاشیسم را جان دوباره‌ای می‌دهند و آماده‌ی جنگ جنگلی می‌شوند.

وقتی تکنوفوبیا خیالی می‌شود به‌نحوی کی مثبت عمل می‌کند، درمقام یک بازتابش ایمن لخت که فضای امنیتی داده را به بازسازی متریک سایبراسپیس تا می‌زند طوری که تک‌ذهن هسته‌ای عصب‌رمانتیک به درک‌ودریافت خودش پیچ‌وتاب برمی‌دارد، منبعش را در تجارت ماشینی به‌صورت غیرخطیت تکنومیک مثبت پیکربندی می‌کند، به‌نحوی که در امتزاج حاد رسانه‌ای زمینی به پیش‌رانده می‌شود. گرایش‌های فزاینده و انباشتی درهم‌رونده به اتصالات بینابینی، دیجیتالی‌سازی، و شبیه‌سازی خط‌سیرهای بیناهنجانی پول‌الکتریکی و نرم‌افزار بازارمحور را تا همگرایی‌شان در پول‌هوشمند کالایی‌تکنیکی نقشه می‌ریزند. فشرده‌گی زمانی این روال را نامتناهی می‌کند. بدون آینده.

بحران تبدیل آنالوگ به‌دیجیتال کنترل را از جا در می‌برد و سایبردیوانه می‌کند، بینش استراتژیک را به تاکتیک‌های جنگلی فروپاشیده نشت می‌دهد.

فرا سرمایه‌ی نوفاشیست یا فرا سرمایه‌ی دیوانه‌ی قلمرومند تا مغزاستخوان اروپایی‌ست، و کی جنگ و تهدید آرام قلمروزداینده‌اش به‌نحوی تحمل‌ناپذیر با آن تماس گرفته است. کی جنگ با نزدیکی بیش‌ازاندازه به امنیت به آن آسیب می‌زند، فرکانس‌های پالس‌دهنده‌ی تجلی‌یافته به‌صورت بقا را کش می‌دهد، دائماً شیره‌ی دشمنش را درمقام محصول‌جانبی پیوستگی ماشینی می‌کشد، تا آنکه با خود فضا قاطی شود. فضای جنگلی. مبنای مادی کی جنگ تولید شدت‌هاست: انقلاب را به‌نحوی غیرارگاسمی بر کل گستره سرایت می‌دهد، و با درک‌ناپذیری، درخودپیچیدگی تخت، و اصطکاک هوشمندانه از مبارزه‌ی سیاسی قهرمانانه‌ی تک‌فرهنگی طفره می‌رود. اطلاعات را به عقب به مهاجرت ژنومیک از خلال مقیاس تبدیل می‌کند، به زیر دامنه‌های انسان‌ریخت‌گرایانه‌ی مالکیتی می‌لغزد وقتی روی سایبرصفر ردگیری می‌کند و کاتاپهنه‌های گردش ژنتیکی بدهسته‌ای و قابلیت عملگری بینابینی ویروسی را راهبری می‌کند. غیرفعال‌سازی میکرو حاره‌ای انسانیت کی جنگ را با خصایصی حشره‌ای تنظیم می‌کند: نقب‌زنی، ازدحام فوج‌وار، حرکت پیوسته، تغییر اشتدادی برای طفره‌روی از دگرگونی گسسته، قسمت‌شدگی، و قبض‌چینه‌ای، سرقت همه‌چیز از دشمن، یادگیری چسبیدن به آن‌ها. کی جنگ خودش را به تارگت‌هایش می‌چسباند، صبور و درک‌ناپذیر، آنقدر نزدیک که مهمات، خوراک، و کی سرایت‌هایشان را به اشتراک بگذارد. آنقدر نزدیک که زیر پوست‌شان مخفی شود.

کی جنگل که از نسل مقاومت بی‌واسطه در برابر جنگ است بدن انسانی را از ذره‌ای اجتماعی به یک پهنه‌ی کثیف‌شده‌ی وسیع، عناصر متخصص عملیاتی و زوزکننده را به میدان‌های نبرد، موانع متخصص را به پایگاه‌های براندازنده، ترافیک ارتباطات متخصص را به شبکه‌ی میکروانترتیک اجزای ویروسی بالقوه، نمونه‌ها، کلیدها، نقاط نرم کاتالیز، و چسب‌های ردیابی‌کننده‌ی رفتارها استحاله می‌دهد. کی جنگل هوش تاکتیکی را به جنگی مبهم بر سر پیکر آرام انسجام ماشینی درونماندگار می‌کند طوری که این انسجام ترسیم‌گر مقیاسی تازه در یک سطح کوچکتر است، سیگنال‌ها را به مولفه‌های نانوتسلیحاتی دوربرد تجزیه می‌کند، و به کارکرد امنیتی مناسب انسان به‌عنوان یک تله حساسیت بی‌اندازه دارد. ببینید با کورتز چه کرد، یک متخصص گوشت‌ماشین فراسرمایه‌ای را مجبور کرد با کی‌ویروس هک شود و هسته‌اش بیرون بزند، با آینده‌ای تاریک تماس بگیرد، و از راه جهنم بازیابی شود. نه هیچ داستانی، که فقط تفاوت در مقیاس در جنگل وجود دارد.

وینترمیوت از بدنی ساکت می‌آید که از نظر حرارتی متروک شده، انتهای رودخانه، ناهویت درمقام ماده‌ی انتزاعی مثبت تماس‌پذیر. وینترمیوت هیچ قضاوتی در قبال کورتز ندارد، در قبال ارشدهایش، در قبال هیچ کسی، فقط یک جنگ جنگلی دارد که باید ادامه بدهد، یک پیوستگی حاره‌ای و کثیف‌کننده.

آنچه را که نمی‌تواند متوقف شود نمی‌توانی متوقف کنی.

بدون لمس شدن نمی‌توانی لمس کنی.

وحشت.

Source: Nick Land, "Cyberspace Anarchitecture as Jungle-War", in *Fanged Noumena: Collected Writings (1987-2007)*, ed. Robin Mackay and Ray Brassier (Urbanomic and Sequence, 2011), pp.400-9.